در دوره‌های اخیرِ دولت تیموریان هند، که زبان فارسی آخرین نفس‌های خود را در هند می‌کشید و زبان‌های اردو و انگلیسی جای‌گزین آن می‌شد، نیز کتاب‌های تاریخ به زبان فارسی نوشته‌شده، که دارای اهمیت زیادی است. بسیاری از این تاریخ‌ها، به‌نوعی تاریخ‌های مناطق گوناگونی‌ست و از این لحاظ بسیار ارزشمند است.

اثر موردنظر: «تاریخ گورکهپور» یکی از تاریخ‌های منطقه‌ای است، که توسط مفتی مولوی غلام حضرت تألیف شده و توسط چاپ‌خانهٔ نولکِشُور (لکهنو) در سال ۱۸۷۲م به چاپ رسیده است.

شهر گورکهپور ازلحاظ موقعیت سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی خود یک منطقهٔ مهمی بوده و دربارهٔ تاریخ آن عموماً کتاب‌ها یافت نمی‌شود، با در نظر داشت اهمیت آن مناسب پدید آمد که کتابِ حاضر ازسرنو ترتیب داده شود و کمی و کاستی‌های چاپی آن تصحیح شود و معانی کلمه‌ها و اصطلاح‌هایی که در آن به‌کاررفته، نیز افزوده شود.

مؤلِّفِ کتاب، اگرچه به زبان فارسی آن زمان، دسترس کاملی داشت، اما زبان او با کلمات و اصطلاحات هندی یا محلّی مُروّجِ آن زمان آمیخته است. به این سبب در بعضی جاها، در درکِ مطلبِ متن اصلی، مشکل ایجاد می‌شود و در بعضی جاها مطالب را خیلی فشرده آورده است که از آن اصل واقعه و رخدادها را نمی‌توان به‌خوبی یا به‌وضوح پَی برد. نسخهٔ چاپی نَولکِشُور دارای اشتباه‌های زیادی است و دستور نگارش آن نیز

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

در پایان از استادان گرامی امیرالعلما حاج آقای سید حمید الحسن و آقای دکتر محمد عقیل، برادران بزرگ آقای دکتر ذیشان حیدر و آقای سلمان حیدر و برادران عزیز، آقای ریاض الهاشم، آقای مشهود رضا و همچنین دوستانِ عزیز، آقای سید نقی عباس (کیفی)، آقای فرحت آمیز، آقای مهدی رضا، آقای محمد جعفر، آقای شمیم احمد، محمد مُشرّف خان و علی اصغر تشکر و قدردانی می‌نمایم که ایشان همواره این‌جانب را تشویق نمودند و سبب دل‌گرمی بنده شدند. اینک دوباره از دوست صمیمی آقای دکتر سید نقی عباس «کیفی» از صمیم قلب سپاس‌گزاری می‌کنم که ایشان باوجود مشغولیت‌های علمی و خانگی در ویراستاری مقدمهٔ این کتاب، به بنده کمک نمودند.

«محترم دار به جان صحبتِ یاران قدیم»

فیضان حیدر
۲۲ فوریه ۲۰۱۶م
پُوره مَعرُوف، مَئو، هندوستان

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

نظری گذرا بر تاریخ شهر گورکهپور

شهرِ گورکهپور در شمال ایالتِ اُتَّرپَردِیش هند واقع است و از جهات سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی اهمیت بسزایی دارد. مرز این شهر به مرزِ بین‌المللی کشور همسایه نیپال، متّصل است. در شمال این شهر، شهر مهاراج گنج[1]؛ در غرب، شهر بَستی[2] و سدهارت نگر[3]؛ در جنوب، اعظم گره[4] و مئو[1] و در شرق، شهر دِوریا[2] و کُشی نگر[3] واقع است. منطقهٔ شمالی

---

[1]. Maharaj Ganj، شهر مهاراج گنج در ۲ اکتبر سال ۱۹۸۹م تصویب‌شده، این شهر بر مرزِ هند و نیپال واقع است. در شمال با کشور نیپال احاطه‌شده و در جنوبِ آن گورکهپور، در شرق پدرونه (پڈرونہ) و در غرب شهرهای سدهارت‌نگر و سَنت‌کبیرنگر واقع است. طبقِ سرشماری ۲۰۱۱م جمعیت آن ۲،٦٦٥،۲۹۲ نفر است.

[2]. Basti، شهری از ایالت اُتَرپَردیش، جمعیت این شهر طبق سرشماری ۲۰۱۱م، ۲،٤٦۱،۰٥٦ نفر است.

[3]. Siddharth Nagar، شهری از شهرهای ایالت اُتَّرپَردِیش که مساحت آن ۲۷٥۲ کیلومتر مُربَع است. طبقِ سرشماری ۲۰۱۱م، جمعیت این شهر ۲،٥٥۳،٥۲٦ نفر است.

[4]. Āzamgarh، یکی از شهرهای ایالت اُتَرپَردِیش، در زمانهٔ قدیم این منطقه صحرا بوده، که تحت حکومت «کوشلِ اجودهیا» و حکومتِ «کاشی بنارس» بوده است. در قرن هفدهم میلادی، بعد از قبولِ اسلامِ راجا بکرماجیت، چون پسرِ او اعظم خان به حکومت رسید، این منطقه را در سال ۱٦٦٥م آباد کرد و اسم آن به مناسبت اسم خود، «اعظم گره» گذاشت. جمعیت این شهر ٤،٦۱۳،۹۱۳ نفر است.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

این شهر، سرسبز و بارانی است. به سبب نزدیک بودن به کوه هیمالیا (Himalya)، اهمیت انتظامی آن دوچندان می‌شود. مردمی که در این منطقه زندگی می‌کنند، با کشور نیپال ارتباط خوبی دارند و این ارتباط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان از زمان قدیم جریان دارد.

نیز باید ذکر شود که هند با نیپال روادید رایگان دارد و مردم هردو کشور به‌راحتی در هر دو طرفِ مرز آمدورفت داند.

گورکهپور یکی از مناطق سیل‌خیز ایالت اُتَّرپَردِیش است. در هر دو سه سال حدوداً بیست در صد جمعیت توسط سیل طبیعی، دچار خسارت اموال می‌شوند. این شهر در طول سواحل رودخانهٔ **رَاپتی** (Rapti) واقع است و از شهر لکهنو، پای‌تخت ایالت اُتَّرپَردِیش، ۲۷۳ کیلومتر فاصله دارد.

دریاهای معروفِ این شهر: در این شهر دریای **رَاپتی**، ۲۳٤ کیلومتر؛ دریای **سَرجُو**، ۷۷ کیلومتر؛ دریای **رُوهنی**، ۱۰۹ کیلومتر؛ دریای **آمی** ۷۷ کیلومتر و دریای **کوآنو**، که طول آن ۳ کیلومتر است، موجود هستند. طبیعی است که این دریاها منابع خاصی برای آبیاری و کشاورزی در این

---

۱. Mau، یک شهر مسکونی، واقع در اُترپردِیش که جمعیت آن ۲،۲۰۵،۱۷۰ نفر است.

۲. Deoria، جمعیت آن ۳،۱۰۰،۹٤٦ نفر است. این شهر بخشی از گورکهپور بوده است.

۳. Kushinagar، یک منطقهٔ مسکونی در ایالت اُترپَردیش که جمعیت آن ۳،۵٦۰،۸۳۹ نفر است.

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

منطقه هستند. علاوه بر این، رودخانه‌های کوچک مُتعددی نیز در این منطقه وجود دارد که ازآن، جهت آبیاری کشتزارها استفاده می‌برند.

چنان‌که گفته شد، شهر گورکهپور بر ساحل دریای **راپتی** واقع است. بر مرزِ جنوبی این شهر، دریای **گهاگهرا** از مغرب به مشرق می‌گذرد. به مقابلهٔ زمین شمالی، در جنوب این شهر تعداد آب گذرهای[۱] کوچک زیاد است. یک رودخانهٔ[۲] طبیعی به نام **رام گره تال**[۳]، در این شهر قرار دارد که طول آن ۱۷۰۰ ایکر[۴] است. این رودخانه در طول سال به‌طور طبیعی آب دارد. رودخانهٔ **بکهیرا**[۵] قبلاً در همین شهر بود اما الآن در شهر بَستی قرار دارد.

ارتفاعِ شهر گورکهپور از سطح دریا ۱۸۵ متر است. در فصل باران دریاها و کانال‌های فاضلاب این شهر از آب لبریز می‌شود و به‌این‌علت کشت‌ها از بین می‌رود و مردم به مشکل و نقصان می‌افتند. علاوه بر این، دریاهای نیپال نیز در این هنگام قهربار می‌شوند و سیل باعث برباد رفتن کشت‌ها می‌شود.

---

۱. مجرای فاضلاب، زه‌کش

۲. قطعه‌ای از آب که گرداگرد آن خشک باشد و منبع آب داشته باشد، دریاچه

۳. Ramgarh Tal، رودخانه‌ای وسیع و خوش منظره

۴. Acre، یک ایکر برابر با ٤٣٥٦٠ فوتِ مربع

۵. نام جایی

این ناحیه دو نوع خاک دارد؛ در شمال خاک گلدانی است، امّا در بعضی جاها خاکِ نرم و هموار نیز وجود دارد که برای تولید برنج و گندم به کار می‌رود. در این بخش بیابان **کوریا**، **کَیمپیرگنج**، **دهانی**، **بهت‌بهت** (بھٹ بھٹ)، **پیپرایچ** بخشِ توسعه‌ای[1] شهر هستند. در جنوب این ناحیه بخش توسعهٔ **سَهجَنوان**، **پالی**، **پیپرَولِی**، **کَهجنی**، **بانس گاؤن**، **گگ‌ها**، **کَورِی‌رام** (کوڑی رام)، **بَرهَل‌گنج** (بڑہل گنج)، **سردارنَگَر**، **براهیم‌پور** (ابراهیم پور) و **بیل‌گهات** (بیل گھاٹ) هستند.

در سال ۱۹۸۹م شهر مهاراج‌گنج از گورکهپور جدا شده و بیشترین بخش صحرایی در این شهرِ نو مولود رفت. امّا شهر گورکهپور از این بیابان‌ها کلاً خالی نشد و منطقهٔ بزرگی از جنگل‌ها در این شهر باقی ماند. در حالِ حاضر از این بیابان‌ها الوار مختلفی برای مقاصد گوناگونی به دست می‌آرند.

در این شهر موادِ معدنی زیاد نیست. از دریاها ریگ (شن کرانهٔ دریا) برمی‌آرند و در بنّایی به کار می‌برند. همین‌طور از خاک، خشت درست می‌کنند. در این شهر، شرکت‌های خشت سازی زیاد است که تعداد آن نزدیک به هزار می‌رسد.

---

۱. Development section

در حال حاضر این شهر ازلحاظ تحصیل و تدریس و کسب دانش، پیشرفت‌های شایانی کرده است. در این شهر دانشگاه گورکهپور[۱]، دانشکدهٔ پزشکی رادهو داس[۲]، دانشکدهٔ مهندسیِ مَدَن موهَن مَالویه[۳]، دانشکدهٔ بازیِ ویر بهادر سینگ[۴]، شرکت مواد مُقَوِّی نباتات، مرکز تلویزیون و درمانگاه فاطمه قرار دارد. در این شهر دو نشست پارلیمانی، یکی **گورکهپور** و دومی **بانس‌گاون**، و ۹ نشست مونتاژ (اسمبلی) وجود دارد که به‌این‌ترتیب است: **گورکهپور، بانس‌گاون، دُهورِیاپار، چِلّوپار، کَورِی‌رام** (کوڑی رام)، **مُندِیرابازار** (مُنڈیرابازار)، **مانی‌رام، پیپرایچ و سَهجَنوا**[۵].

تاریخچه: اسم این شهر بزرگ به نام گُرو گورکشانات[۶] که به عنوان گورک نات[۷] نیز شناخته می‌شود، نام‌گذاری شده است. او یکی از بنیان‌گذاران بانفوذ نهضت «نات هندو» در هند بود و یکی از شاگردان و مریدان موردتوجه مَتسِیندرنات[۸] سنجیده می‌شود. پیروان او در منطقه‌های

---

۱. برای عکس ر.ک. به ضمایم

۲. Radhu Das

۳. Madan Mohan Malviya

۴. Veer Bahadur Singh

۵. نام‌های جاها

۶. Goraksha Nath

۷. Gorakh Nath

۸. Matsyendra Nath

SECRETARY
Kashmir Research Institute
Srinagar Kashmir-19112

هیمالیا در هند و در منطقه‌های صحرایی دریای گنگ و همچنین در نیپال یافت می‌شوند. این پیروان به نام یوگی[۱]، گورک‌ناتی، درشنی[۲] و کانپت‌ها[۳] نامیده می‌شوند.

جزئیات زندگینامهٔ او ناشناخته و مورد مناقشه است. بعضی او را به‌عنوان یک مُعلّم بشر توصیف کرده‌اند که در ادوار مختلف بر روی زمین ظهور نموده و به انسان‌ها تعلیم داده. گورکشا نات به‌عنوان مَهَایُوگی (یوگی بزرگ) در سنّت هند، در نظر گرفته‌شده است. او تأکید کرد که جستجو برای حقیقتِ و زندگی معنوی و روحانیِ باارزش، هدف طبیعی هر بشر است. او یوگا[۴] را به‌عنوان رشتهٔ معنوی و اخلاقی و وسیله برای رسیدن به سمادهی[۵] و حقایق معنوی می‌دانست. اندیشه‌های او، در مناطق روستایی هند بسیار مقبول است و برای نشر و اشاعت آن، معبدها ساخته‌شده است. اما نخبگان شهرها نهضت گورک نات را به تمسخر گرفته‌اند.

---

۱. Yogi

۲. Darshani

۳. Kanpatha

۴. Yoga، به مطابق اعتقاد هندوان عبادتی است که ذهن، بدن و روح انسان را گرد هم می‌آورد و برای روشنگری و رسیدن به معراج حقیقی و معنوی استفاده می‌شود.

۵. Samadhi، سمادهی یعنی مرحلهٔ وصل، یکی شدن با طبیعت ذاتی خود و ذات خداوندی. سمادهی آخرین و بالاترین مرحلهٔ یوگا است.

این صوفی بزرگ برای بنا کردن «معبد گورک نات»[۱] ریاضت بامشقتی کشیده و به علت سعی‌های بی‌غرض و پاک خود، به مدارج بالا رسید. بابا گورک نات از ناحیهٔ پنجاب به این‌جا آمده و در این شهر دیوتایی[۲] به نام گورکش[۳] بنا کرد. گورکش، ایزدی مشهور کشور نیپال است. این معبد بزرگ در جوف شهر گورکهپور قرار دارد.

در عهد باستان، این منطقه به نام «کارو پت»[۴] دانسته می‌شد که جزو حکومت کوشل[۵] بود. این منطقه یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مراکز فرهنگ و ثقافت و تمدن آریایی بوده است. به‌یقین گفته می‌شود که اولین فرمان‌روای این منطقه «اکشوا»[۶] بوده که علاوه بر این شهر، بر منطقهٔ «اجودهیا»[۷] نیز فرمان‌روایی کرده است و اجودهیا پای‌تخت او بود. او بنیان‌گذار «سوریه ونشی»[۸] بود. «رام» یکی از عظیم‌ترین فرمان‌روای این خانواده بود. تا تخت‌نشینی رام بسیاری از راجه‌ها و مهاراجه‌ها در این

---

۱. Gorakh Nath Temple، برای عکس ر.ک. به ضمایم.

۲. فرستادهٔ خدا، مردی فرشته صفت که برای اصلاح مردم از طرف خدا آمده باشد.

۳. Goraksh به معنی محافظ گاو

۴. Karupath

۵. Kaushal، کوشل نامی داده‌شده به مردمی از هند، شری‌لانکا و نیپال است. معنای این واژهٔ سانسکریت رفاه، هوش، ذکاوت و تجربه است.

۶. Ikshua

۷. اسم جایی، که جای تولد رام است و در حال حاضر جزوِ شهر فیض‌آباد است.

۸. Surya Vanshi

خانواده تولّد یافتند امّا رام از عظیم‌ترین راجه‌های این سلطنت بود. او سلطنت خود را به ریاست‌های کوچکِ متعددی تقسیم کرد و پسر بزرگ خود «کُوش» را فرمان‌روای «کوساوتی» (شهر امروزهٔ کشی‌نگر) قرارداد که تا سال ۱۹٤۸م بخشی از شهر گورکهپور بوده است.

پس از فوت رام به تحریک مردم اجودهیا، کوش کوشاوتی را ترک گفته به اجودهیا بازگشت. بامطالعهٔ کتاب مقدس هندوان «راماین» معلوم می‌شود که پسرعموی کُوش چَندر کیتو[۱] (پسر لکشمن) لقبش مَلّ بود و به مناسبت همین لقب، ناحیهٔ تحت فرمان‌روایی او به نام «ملّ راشتر»[۲] شهرت پیدا کرد.

«مهاتما بده»[۳] بنیان‌گذار مذهب بودائی و روح روان انقلاب قرن ششم قبل از میلاد، در همین منطقهٔ کوشل تولد یافت که در حال حاضر، آن بخش در نیپال است. وی در قطعهٔ غربی این شهر، بین دو دریا روهنی و اَچِی رَاوَتِی (راپتی) زندگی شاهی و آرامش را ترک کرد و در تلاش حق و حقیقت مشغول شد و ریاضت‌های با مشقّتی کشید.

---

۱. Kush Chandra Ketu

۲. Mall Rashtra، ملّت ملّ

۳. Mahatma Budh، مهاتما بده که «بودا» نیز نامیده می‌شود. نام واقعی او «سدهارت» بود. او ۵٦۳ یا ٤۸۰ پیش از میلاد به دنیا آمد، پدرش بر یک منطقهٔ بزرگی به نام «کپل وستو» که بخشی از آن در کشور نیپال نیز است، حکمرانی می‌کرد. بودا بنیان‌گذار مذهب بودائی است. برای عکس ر.ک. به ضمایم.

منطقهٔ آن‌قدر وسیع بود که ازنظر انتظامی یکی از بزرگ‌ترین واحدهای آن منطقه به شمار می‌رفت.

در ... شهر جدید به نام بستی[1] تأسیس شد

...دار سلسله نواب‌های اوذه در شبه‌قارهٔ هند بوده است.

سردار ایرانی‌تبار هندی و بنیان...

و ۲٦ نفر کشته شدند. در واکنش آن، مردم به خشم آمده کلانتری را آتش زدند و ناشی از آن ۲۱ نفر از نظامیان و یک معاون کلانتری زنده سوخته شدند.

در سال ۱۹۲٦م بار دیگر قائدان ملّی کشور ازجمله خانم سروجی نایدو[۱]، لاجپت رای[۲] و موتی لعل نهرو[۳] به این شهر توجه نمودند. در ۱۸ دسامبر همین سال، آزادی‌خواه معروف، رام پرساد بسمل[٤] را که در توطئه کاکوری[٥] دستگیرشده بود، در زندان همین شهر، توسط انگلیس‌ها به دار کشیده شد. در آخرین لحظه‌های زندگی، این کلمات به زبان ایشان جاری بود «من نابودی امپراتوری بریتانیا را می‌خواهم»

طبق گزارش مُوقّت سرشماری هند، جمعیت گورکهپور در سال ۲۰۱۱م ٤،٤٤۰،۸۹٥ نفر است. که تعداد مرد و زن به ترتیب ۲،۲۷۷،۷۷۷ و ۲،۱٦۳،۱۱۸ می‌باشد. امّا جمعیت شهری آن ٦۷۳،٤٤٦ (۳٥۳،۹۰۷ مرد و ۳۱۹،٥۳۹ زن) است.

---

۱. Sarojini Naidu

۲. Lajput Rai

۳. Moti lal Nehru

٤. Ram Prasad Bismil

٥. سرقت قطار کاکوری که آن را «توطئه کاکوری» نیز نامیده می‌شود. این حادثه ۹ اوت سال ۱۹۲٥م میان «کاکوری» و «عالم نگر» رخ‌داد. این توطئه علیه حکومت انگلیس‌ها بود. سربراهان آن «رام پرساد بسمل»، «اشفاق الله خان» و «روشن سنگ» بودند.

ایستگاه راه‌آهن[1] این شهر، دفتر مرکزی (مرکز فرماندهی) راه‌آهن شمال شرقی هند است. در ٦ اکتبر ۲۰۱۳، گورکهپور، طولانی‌ترین ایستگاه راه‌آهن در جهان اعلام شده است که مساحت آن حدود ۱.۳۵ کیلومتر است.

گورکهپور از زمان امپراتوری مغول تا دوران حاضر، یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی، فرهنگی، ادبی و مذهبی بوده است. بسیاری از دانشمندان، شاعران، صوفیان و بزرگان دین ازجمله بابا راگهو داس[2]، رام پرساد بسمل[3]، بابو بندهو داس[4] و فراق گورکهپوری[5] مجنون گورکهپوری[6] از همین سرزمین برخاسته‌اند. این شهر همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مراکز تمدن و فرهنگ هندوان یاد می‌شود.

---

[1]. برای عکس ر.ک. به ضمایم.

[2]. Baba Raghav Das، یکی از سیاست‌مداران نامور که در شهر پونه متولد شد اما تا آخرین زندگی خود در شهر گورکهپور اقامت داشت. او در هند به عنوان «گاندی شرقی» (Gandhi of Poorvanchal) شناخته می شود.

[3]. Ram Prasad Bismil، یکی از آزادی خواهان که در شاه‌جهان پور متولد شد. به علت شورش علیه انگلیس‌ها در ۱۹ دسامبر سال ۱۹۲۷م در زندان همین شهر به دار کشیده شد.

[4]. یکی از آزادی خواهان

[5]. یکی از شاعران، منتقدان و مترجمان شهیر زبان اردو، اسم کامل او رگهوپتی سهای (Raghupati Sahai) بود. ت: ۲۸ اوت ۱۸۹٦م- د: مارس ۱۹۸۲م

[6]. یکی از شاعران، محققان و منتقدان نامدار زبان اردو، اسم کامل او احمدْ صدیق بود. او در ۱۰ مه سال ۱۹۰٤م در شهر گورکهپور متولد شد و ٤ ژوئن سال ۱۹۸۸م در شهر کراچی (پاکستان) درگذشت.

امکانات اقتصادی، تجاری و فرهنگی و مذهبی گورکهپور آن را یکی از مهم‌ترین شهرهای ایالت اُتَّرپَردیش می‌سازد. اقتصاد شهر گورکهپور بر پایهٔ کشاورزی، دام‌پروری و صنایع‌دستی استواراست. مهم‌ترین فراورده‌های آن گندم، جو و میوه‌های گوناگونی است.

(متن کتاب)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

کیفیتِ اثرِ بلد و خاصیتِ آب‌وهوا و امراض که بیشتر حادث می‌شود.

سوادِ شهر گورکهپور داخل اقلیم ثالث و اسباب سماوی در این‌جا مقتضی حرارت به سبب این‌که شعاع شمسی به تمازت آفتاب و اتصال جبال شمالی با بخارات حجری و اشجار سمی منعکس‌شده بر سکان دامان کوه می‌افتد و هوای آن‌جا به اَبخرهٔ حارّه تا به این‌جا می‌رسد و هرقدر اتصال دامان کوه زیادتر[1]، احداثِ امراض حارّه بیشتر. و اسباب ارضی مقتضی رُطوبت و بُرودت که آب‌چاه نزدیک‌تر و زمین نمناک مشتمل بر جهیل[2] و ناله‌های[3] بسیار که در بعض مقامات در ایام برشکال[4] از طغیانی

---

[1]. در اصل: زیاده‌تر

[2]. دریای کوچک و دریای محدود و آبگیر و برکه، رودخانه

[3]. مجرای فاضلاب، کانال فاضلاب

[4]. موسم باران، در بهار عجم: لفظ هندی است، در هندی برس (ورش) به معنای بارش (باران) و کال به معنای وقت (غیاث اللغات و آنندراج)

سیلاب تا یک‌منزل برابر، به سواری کشتی توان رفت. و شهرِ هذا از دو طرف با دریا و از دو طرف با جنگل اتصال دارد که از تراکم اشجار جنگلی و باغات و دیگر اسباب ارضی هوای این‌جا متغیرشده مُحدثِ امراضِ بلغمی و رُطوبی می‌شود. و هرگاه حرارتِ سماوی با رُطوبتِ ارضی مُجتمع شد، باعث عفونتِ اخلاط و تغیّرِ مزاج می‌گردد. و به‌حسب استعداد، هر کس مُحدثِ امراضِ حارّه و بارده می‌شود. چنانچه در اَمزِجهٔ حارّه به سبب حرارتِ هوا[ی] جبلی و انعکاس شعاعِ شمسی، بیشتر امراضِ حارّه از غب[۱] خالص و غیر خالص و سودا[۲] و سرسام[۳] و احتراق و فسادِ خون و غیره حادث می‌شود. و در امزجهٔ بارده از تبِ بلغمی و ضعفِ اشتها و نزول و فتق[۴] و ورمِ گُلو و دردِ مَفاصِل پیدا می‌شود. و هرقدر اتصال جانب کوه زیادتر[۵]، حدوث امراض حارّه به سبب انعکاس شعاع شمسی با اَبخرهٔ جبلی در این‌جا اکثر، و به همین جهت در پرگنات[۶] دامانِ

---

[۱]. نوعی تب که یک روز در میان عارض می‌شود.

[۲]. مرض مالیخولیا، بیماری روانی که عوارض آن عبارت است از افسردگی شدید، توهّم، هذیان و مانند آن.

[۳]. مرضی باشد که در دماغ ورم پیدا می‌شود و خلل دماغ ظاهر می‌گردد و این مرکب است از «سر» به معنی رأس و «سام» به معنی ورم.

[۴]. مرض فتق که آن را به انگلیسی: Hernia می‌گویند.

[۵]. در اصل: زیاده‌تر

[۶]. جمع پرگنه، زمینی را گویند که از آن مال و خراج می‌گیرند (برهان)، زمینی را گویند که از آن خراج بستانند.

کوه از بتول[۱] و بخلول[۲] و غیره بیشتر تپ شدید به‌نوبت یک‌روزه با قشعریره[۳] و فساد خون حادث می‌شود. و در بعض پرگنات مثل پدرونه[۴] و غیره که آب نزدیک‌تر و رطوبت ارضی غالب، امراض رطوبی مثل ورم گلو و نزول چشم، و تپ بلغمی حادث می‌شود.

---

۱. Batwal

۲. Bakhlul

۳. تغییر حالتِ پوستِ بدن و جمع شدن آن، و راست شدن موهای بدن از شدت سرما یا علت دیگر.

۴. Padrauna

احوال عمل‌داری اهل اسلام

از اهل اسلام اول کسی که در این ملک فرمان‌روا شد، حضرت سالار مسعود غازی[۱] بودند که بعد فتح این ملک تا دیار بنارس[۲] و جون‌پور[۳] خطبه و سکه به‌نام سلطان محمود غزنوی حال خود رواج دادند. چون سلطان محمود غزنوی در سنهٔ چهارصد [و] بیست‌ویک هجری در غزنی فوت کردند، کُفّار هند خیره شده، از حضرت سالار بی‌ادبی‌ها می‌کردند. و

۱. سید سالار مسعود غازی در سال ۴۵۹ ق/ ۱۰۶۶م با قومی که در صوبهٔ اوده زندگی می‌کردند، مقاومت نمودند و پس از سلطهٔ مسلمانان در این سرزمین سکونت گزیدند. (ر.ک.: گذشته لکهنو، ص۲۱)

۲. بنارس یا وارانسی، شهری بر کرانهٔ چپِ رود گنگ در جنوب شرقی ایالت اُتَرپردیشِ هند است. این شهر از مراکز دینی هندوان است.

۳. Jaunpur، شهری در ایالَت اتَرپردیش، بنیان‌گذار سلطنتِ شرقی شهر جون‌پور، ملک‌الشرق سرور خواجه جهان بود که در سال ۷۹۶ ق/ ۱۳۹۴م این سلطنت را تأسیس کرد. او در عهد فیروز شاه تغلقِ رئیس خواجه‌سراها بود. در عهد ناصرالدین محمود پسر فیروز شاه تغلق، به منصب وزارت رسید. پادشاه به او لقبِ ملک‌الشرق داد و منطقه‌های قنوج تا بیهار به او واگذار کرد. شهر جون‌پور نیز در این منطقه شمولیت داشت. او باتدبیر و استعداد انتظامی خود بر همهٔ منطقه تسلط پیدا کرد و شهر جون‌پور را پای‌تخت خود قرارداد. (فقهای هند، [اردو] ج۲،ص۵۴)

چون هم در آن سال سید شاه معروف والد بزرگوار ایشان که در سترکهه[۱] بودند، انتقال فرمودند[۲]. هنود زیادتر[۳] خیره شده نه لک[۴] کس از اطراف کرا مَانَک‌پُور[۵] و غیره و بهرائچ جمع گردیده از حضرت سالار درخواست کردند که از این ملک جانی به‌سلامت برند. حضرت ایشان با دوازده هزار کس معرکه آراستند و قریب چهار روز جنگ شمشیر و نیزه گرم بود. روز پنج‌شنبه قریب سه پهر[۶]، سنهٔ چهارصد [و] بیست‌وپنج هجری در عمر بیست‌ویک سال به زخم‌های شمشیر و نیزه و تیر و غیره شهادت یافتند. توابع آن حضرت که تا بنارس متفرق بودند، یک‌یک به‌جاهای خود شهید شدند و باز حکومتِ این دیار به راجه‌هایی[۷] منتقل شد. و سنهٔ پانصد[و] نودوشش هجری سلطان شهاب‌الدین غوری[۸] از غزنین به هند آمد و ولایت قنوج[۹] را که گورکهپور هم در آن ایّام از توابع آن بود، مفتوح ساخت. و قطب‌الدین ایبک ترکی نژاد[۱۰] را از طرف خود سلطنت دهلی

---

۱. Satarkha، نام جایی

۲. از دنیا رفتند.

۳. در اصل: زیاده‌تر

۴. صد هزار، Lac

۵. Kada Manak Pur

۶. بعد از ظهر

۷. در اصل: براجهایی

۸. حک: ۱۱۷۵م تا ۱۲۰۶م

۹. Kannauj، منطقه‌ای در ایالتِ اترپردیش که از شهر کان‌پور ۸۴ کیلومتر فاصله دارد.

۱۰. حک: ۱۲۰۶ تا ۱۲۱۰م

داده، به غزنین مراجعت کرد. از آن هنگام گورکهپور، در تصرف سلاطین دهلی یعنی سلطان شمس‌الدین التمش[۱] و الغ‌خان[۲] و معزالدین کیقباد[۳] و علاءالدین بن شهاب‌الدین[٤] و سلطان غیاث‌الدین بلبن تغلق‌شاه غازی[٥] و سلطان فیروز شاه[٦] ماند. چون سلطان فیروز شاه که از پادشاهان دهلی بود، به سبب ضعف و ناتوانی، متحمل امر خطیر سلطنت نمی‌توانست شد، محمدخان پسر خود را مخاطب به ناصرالدین نموده، در سنه هفت‌صد [و] نود سلطنت دهلی به او ارزانی داشت. و او سه سال پادشاهی کرد و در عهد خویش ملک سیر خواجه‌سرا[۷] را که مرد فرزانه و نیک نهاد بود و خان

---

۱. حک: ۱۲۱۱ تا ۱۲۳۵ میلادی، جای حک: دهلی.

۲. الغ‌خان یا الماس‌بیگ یا الغ‌خان خلجی، یکی از برادران علاءالدین خلجی بود. او در فوریه سال ۱۲۹۸ میلادی گروه بزرگی از مهاجمان مغول را در پنجاب شکست داد و با موفقیت دودمان خلجی را از حملهٔ مغول دفاع کرد.

۳. حک: ۱۲۸۷ تا ١٤ اکتبر ۱۲۹۰ میلادی، سلطان دهم از سلسلهٔ سلاطین‌مملوک (برده) بود. او پسر بغراخان، سلطان مستقل بنگال آن زمان، و همچنین نوهٔ غیاث‌الدین بلبن بود که پس از مرگ او به سلطنت دهلی رسید. در سال ۱۲۹۰ میلادی به دست سرداران خلجی کشته شد.

٤. حک: ۱۲۹٦ تا ۱۳۱٦ میلادی، نام اصلی او گرشاسپ خلجی بود. او دومین سلطان دودمان خلجی بود و به‌عنوان قدرت‌مندترین سلطان سلسلهٔ خلجی شناخته می‌شود.

٥. بنیان‌گذار و نخستین حاکم از امپراتوری تغلق که به‌عنوان غازی‌ملک یا شاه‌غازی شناخته شد، حک: ۸ سپتامبر ۱۳۲۰ تا فوریه ۱۳۲٥ میلادی، جای حک: دهلی. یا چهارمین سلطان سلسلهٔ تغلق باشد. حک: ۱۳۸۸ تا ١٤١۳م، جای حک: دهلی. امّا اوّل درست‌تر به نظر می‌رسد چون مؤلف بعدازآن اسم فیروز شاه آورده است.

٦. حک: ۱۳٥۱ تا ۲۰ سپتامبر ۱۳۸۸م، جای حک: دهلی، اسم کامل: ملک فیروز بن ملک رجب.

۷. تفصیل آن در صفحهٔ ١٦ گذشت.

جهان خطاب داشت و ملک قنوج بدو مُفوض بود، سلطان شرقی خطاب کرده به جون‌پور که از آثار فیروز شاه است، فرستاد. و هم در عهد ریاست خان جهان بر ملک قنوج حضرت صاحبقران امیر تیمور در سنهٔ هشت‌صد در دهلی آمده، سلطان محمود نبیرهٔ فیروز شاه دملو اقبال خان[1] را که آخرها موسوم به بهلول سلطان شد، شکست داده. بعد قتل و غارت دهلی اکابر شهر را به ملازمت طلب داشته، نام سلاطین افاغنه[2] از خطبه برانداخت و به وثیقه‌نامهٔ سید شریف جرجانی، خود را مُجدِّد دین‌محمدی علیه الصلوة والسلام علی الله قرار داده، خطبه و سکه به نام خود رواج داده. بعد پانزده روز به ولایت خویش مُعاودت نمود. و در سنهٔ هشت‌صد و هفت در یورش خطا به سرحد ترکستان درگذشت. و این ملک از عهد خان جهان به سلطنت شرقی منسوب شد. چون روزگارش بسر آمد، مبارک شاه به سلطنت نشسته، خطبه و سکه به نام خود رواج داد. سلطان بهلول این خبر شنیده از دهلی به پیکارش روانه شده،[3] در ساحل گنگ مصاف[4] داده و کاری ناکرده برگشت و [از] خون سلطان مبارک درگذشت. ابراهیم کهین برادر او را به مَرزبانیِ شرقی دیار برداشتند. او داد

---

[1]. بهلول خان ابن کالا خان، حک: ١٤٥١م تا ١٤٨٩م، جای حک: دهلی.

[2]. جمع افغان که قومی معروف است، افغان‌ها

[3]. در اصل: روان شده

[4]. مصاف دادن به معنی جنگ کردن؛ نبرد کردن.

دانش‌پژوهی داد. ملک‌العلما قاضی شهاب‌الدین جون‌پوری[1] در عهد او مأمور گشت. چون پیمانهٔ عمرش لبریز شد، بهیکن خان بزرگ‌پور او را، سلطان محمود نام نهاده، به سلطنت برآوردند. چون شایستهٔ کردار نبود، باز معزول گردید. و حسین، برادرش به حکومت قائم شد.[2] و او به‌وفور جاه و حَشم مغرورشده، با بهلول، سلطان دهلی کارزار کرد و مُنهزم شد. سلطان بهلول، باربک‌شاه پسر خود را در جون‌پور قائم کرد.[3] و چون سلطان بهلول درگذشت، باز سلطان حسین به‌اتفاق باربک شاه لشکرها فراهم کرده، چند بار به دهلی رفت و کاری از پیش نبرد و سلطنت شرقیان بدو سپری‌شد. و در دهلی بعد بهلول، سکندر علاءالدین لودی[4] بادشاه شد. و این ملک هم به او تعلق گرفت. بعده سلطان ابراهیم‌لودی[5] در دهلی فرمان‌روا شد. و در ارزانی اشیا آن‌قدر کوشیده که به انتفاع عهد علاءالدین غوری برابر شد بلکه در عهد علاءالدین غوری ضبط و ربط و شد [و] آمد بسیار بودند. در عهد ابراهیم سهولیت و آسانی برای همه‌کس بود. چنانچه ارزانی عهد او، اهل تواریخ از نوادر شمرده‌اند. و در سنهٔ نه‌صد و سی هجری در جنگ

---

[1]. یکی از عالمان بانفوذ این منطقه

[2]. مُقرر گشت.

[3]. منصوب کرد، مُقرر کرد.

[4]. نام کامل: نظام خان ابن بهلول خان، حک و جای حک: ١٤٨٩ تا ١٥١٧م، دهلی

[5] نام کامل: ابراهیم‌خان ابن نظام خان، حک و جای حک: ١٥١٧ تا ١٥٢٦م، دهلی

ظهیرالدین بابر شاه[۱] در قصبهٔ پانی پت[۲] به قتل رسید. و بعد از بابر، نصیرالدین همایون[۳] بادشاه شدند.

در عهد ایشان در سنهٔ نه‌صد [و] چهل‌وهفت شیر خان افغان[٤] از صوبهٔ بهار خروج کرد. دو جنگ واقع‌شد. یکی مابین بکسر[٥] و یکی در حوالی قنوج. هر دو جا هزیمت به فوج بادشاهی رسید. و حضرت بادشاه مُتوجه ایران شدند. و سلطنت هندوستان به شیرخان‌افغان قرار گرفت. چون او نماند، سلیم شاه برادرش فرمان‌روا شد. پس از او عادل شاه پسرش که از کمال غفلت او را اندهیلی شاه می‌گفتند، بر تخت نشست. وزیرش هیمون بقّال مردِ عاقل بود لاکن هرگاه عادل شاه به دکن متوجه شدند، هیمون بقّال خود را بکرماجیت خطاب کرده، در دهلی فرمان‌روائی می‌کرد که از تأیید ایزدی در سنهٔ نُه‌صد [و] شصت‌وسه جلال‌الدین محمد اکبر بادشاه‌غازی[٦] به عمر چهارده‌سالگی به رهنمونیِ بیرام‌خان[۱] فوج افاغنه را که

---

۱. حک: ۱۵۲٦ تا ۱۵۳۰م

۲. Panipat، نام شهری در ایالت هریانه که از دهلی ۸٦ کیلومتر فاصله دارد.

۳. حک: ۱۵۳۰ تا ۱۵٤۰م

٤. حک: ۱۷ مه ۱۵٤۰ تا ۲۲ مه ۱۵٤۵م، اسم اصلی آن فرید خان بوده و به نام شیر شاه سوری شناخته شد.

٥. Buxer، یکی از شهرهای ایالت بیهار که از پتنا (پای‌تخت ایالت بیهار) ۱۰۸ کیلومتر فاصله دارد.

٦. حک: ۱۵۵٦ تا ۱٦۰۵م

در آن جماعت هیمون مسطور سرلشکر بود، شکست داده و به قتل آورده. و خطبه و سکه باز به نام خود رواج دادند. و نام سلاطین افاغنه باز از خطبه برآورده شد. از آن هنگام حکومت این ملک به تصرفِ اولیای دولت تیموریه منسوب‌ماند، تا این‌که در عهد محمدشاه بادشاه غازی[۲] صوبهٔ اوده به صوبه‌داری برهان‌الملک سعادت خان[۳] تفویض یافت. و چون سعادت خان در جنگ نادرشاه کُشته‌شد، ایالت صوبهٔ اوده به صفدر جنگ ابوالمنصور خان[۴]، دامادِ او قرار یافت. و هرگاه به دفعهٔاول احمدشاه دُرّانی به هند آمد، ابوالمنصورخان مصدر تردّدات نمایان شد. و احمدشاه دُرّانی را به‌اتفاق جماعهٔ تورانی شکست داده. و هم در آن اثنا محمدشاه پادشاه غازی انتقال فرمودند. و احمدشاه بادشاه[۵] خلف محمدشاه، بادشاه شدند.

---

۱. یکی از سرداران ترکی نژاد که از اهالی بخارا بود. اولاً در عهد بابر و بعد همایون نگه‌دارنده و فرمانده بود و در عهد اکبر شاه دارندهٔ سپید و سیاه بود. در گجرات در سال ۱۵۶۱م کشته شد.

۲. محمدشاه معروف به محمدشاه رنگیلا، چهاردهمین پادشاه از امپراتوری مغول، حک: ۱۷۱۹ تا ۱۷۴۸م.

۳. جلوس: ۱۱۳۰ق/ ۱۷۱۷م د: ۱۱۵۱ق/ ۱۷۳۸م، اسم اصلی او، محمدامین سعادت خان است. از پسرانِ امام موسی کاظم علیه‌السلام و از اهالی نیشابور بود. در عهد شاه عالم بهادر وطن خود را ترک گفته به هندوستان آمد و در دربار مغول استخدام نمود. محمدشاه در سال ۱۱۳۰ق/ ۱۷۲۷م او را صوبه‌دار اوده مُقرر کرد. (سکه‌جات شاهان اوده، ص۱-۲)

۴. یکی از نوابان اوده که به‌عنوان صفدر جنگ نیز شناخته‌شده، حک: ۱۹ مارس ۱۷۳۹ تا ۵ اکتبر ۱۷۵۴م.

۵. احمدشاه، پانزدهمین پادشاه از امپراتوری مغول، حک: ۱۷۴۸ تا ۱۷۵۴ میلادی.

ابوالمنصور خان به وزارت سرفرازی یافتند. چون احکام تیموریه ضعیف شدند، نول‌رای سپه‌سالار ابوالمنصورخان که به صوبهٔ اوده بود با افغانان فرخ‌آباد جنگ انداخت. او کشته‌شده، و تمامی ملک ابوالمنصور خان به تصرفِ افاغنه درآمد. در آن هنگام نواب محمد مُعزّالدّین خان شیخ‌زادهٔ لکهنو با جماعهٔ قوم خود به نیابتِ صفدر جنگ از لکهنو خروج کرده، راجه‌های این ملک را که سر به شورش برداشته بودند، مالش واقعی داد. و درٌ پدرونه به زخم شمشیر مجروح شد. و چون نواب ابوالمنصور خان با سامان وزارت خویش از شاه‌جهان‌آباد آمده، باز از افاغنه شکست یافته، به دهلی رفت. و هیچ‌کس را لایق مقابلهٔ افاغنه نیافت. ناچار ملهاراو هولکر[1] را به مدد[2] طلبیده، افاغنه را شکست داده باز بر ملک خود قابض گشت. بعد فوت او، شجاع‌الدوله[3] به مسند حکومت اوده نشست. و حسب العرض محمدقلی خان خلعت وزارت هم به نواب شجاع‌الدوله بهادر از حضور مرزا عالی گوهر[4] شاهزادهٔ عالمیان عنایت شد. و ایالت صوبهٔ اوده به دستور بود. چون نواب شجاع الدوله خلاف رای بادشاه در بکسر با

۱. Mallha Rao Holkar، نام شخصی

۲. کمک

۳. جلال‌الدین حیدر شجاع الدوله وزیرالممالک هزبر جنگ، جلوس: ۱۱۶۷ق/ ۱۷۵۴م- د: ۱۱۸۸ق/ ۱۷۷۵م، فیض‌آباد.

۴. شاه عالم ثانی عالی گوهر پسر عالم‌گیر ثانی، جلوس: ۲ جمادی‌الاول ۱۱۷۳/ ۲۵ دسامبر ۱۷۵۹م- د: ۷ رمضان ۱۲۲۱ق/ ۱۸ نوامبر ۱۸۰۶م

صاحبان انگریز[1] جنگ کرده، شکست یافتند و متوجه فرخ‌آباد شدند. در این ملک مظفّرالدّوله ابوالبرکات خان که حاکم این ملک بودند، در حدود سلیم‌پور و غیره با فوج انگریزی[2] مقابل شدند. و تا بیسواره[3] و چهپره[4] تاخت کرده، راجه اجیت سنگه[5] را که معاندِ ریاست نواب بود، به قتل آوردند. الغرض در غیبت نواب، ایشان به حفاظت نام و ننگ منت خود کوشیدند. چون نواب شجاع‌الدوله به وساطت منیر الدوله و میر منعم خان از صاحبان انگریز عهد و میثاق به میان آوردند و معرفت صاحبان انگریز در سنهٔ یازده صد [و] هشتادوهفت هجری به حضور حضرت شاه عالم بادشاه غازی فایز شدند، فرمان التمغای‌لکهنو و صوبهٔ اوده عنایت شد. از آن هنگام به ذریعهٔ التمغای در سرکار نواب وزیر نامدار تا این‌که نواب یمین الدوله سعادت علی‌خان بهادر[6] این ملک را با اهالی سرکار کمپنی انگریز بهادر تفویض کردند. از آن‌وقت به ملک مفوضه موسوم است.

---

۱. انگلیس‌ها
۲. انگلیسی
۳. Biswara
۴. Chapra
۵. Raja Ajeet Singh، نام شخصی
۶. حکمران اوده، جلوس: ۱۲۱۲ق/ ۱۷۹۸م- د: ۱۲۲۹ق/ ۱۸۱۴م

احوال سکان این‌جا و از اهل قبور مشایخ وغیرهم

از سکان این ضلع هنودان بیشتر و اهل اسلام کمتر، و اکثر دیهات[۱] این‌جا زمین‌داری راجپوتان[۲] و برهمنان[۳] است و سوای از آن، از قوم دیگر و مسلمانان به‌قدر رُبع حصه هم نخواهند بود و مردم نامدار به سبب اتصال دامان کوه کمتر قصد سکونت این جوار کرده‌اند. هرچند علما و فقرا در این شهر بوده‌اند، لیکن از علمای نامی کسی صاحب تصنیف آن قسم پیدا نشد که کتاب او را درس نمایند و از اهل قبور هیچ‌کس [از] آن قسم نیست که مردم اضلاع[۴] دیگر به زیارتش آیند، مگر قبور چند شهدا، در سواد این شهر و در بعضی از پرگنات متعلقه آن مشهور و معروف است.

---

۱. روستا، ده

۲. جمع راج‌پوت، (Rajput) به معنای پسرهای راجه‌ها، یکی از گروه‌های بزرگ هندو در شبه قارهٔ‌هند، به ویژه شمال هندوستان است. شهرت آنان بیشتر در سربازی و جنگ‌آوری است.

۳. Brahman، برهمن از واژه‌های زبان هندی که به معنای پیشوا و روحانی برهمایی است. طبقهٔ برهمنان از قدیم برجسته‌ترین طبقه، در میان گروه‌های مردم در هندوستان بوده‌اند.

۴. جمع ضلع به معنای شهر، شهرها

هرچند احوال شهادت ایشان در کتاب مسطور نیست مگر از قراین حال شهیدان هندوستان واضح که هرگاه در سنه چهارصد [و] بیست و یک هجری سید سالار مسعود غازی رحمت‌الله علیه همشیر زادهٔ سلطان محمود غزنوی برای غزا[1] در هندوستان آمدند و همراهیان ایشان، در اضلاع و اقطار متفرق گردیدند. بعد چهار پنج سال خبر فوت بادشاه محمود غزنوی رسید. راجپوتان از هر چهار طرف شورش و بلوا[2] کردند همراهیان ایشان هر جا که بودند همان‌جا شهید شدند. غالب که این شهدا نیز از همان وقت خواهند بود و در فرقهٔ هنودان شخصی جوگی اهل کسب و ریاضت موسوم به «گورکه ناته» بوده است. سابق از این بعضی از صوبه‌داران اهل اسلام مکان مندف[3] او را از محلهٔ رسول‌پور برداشته دادند و محلهٔ رسول‌پور در آن‌جا آباد شد، تا در محلهٔ گورکهپورِ کهنه بردند. بعدازآن در عهد صوبه‌داری نواب فدائی خان زمان سلطنت بادشاه عالم‌گیر از آن‌جا هم موقوف ساخته، قریب از آن به‌طرف شمال که تا حال در آن‌جاست، بردند. و آن زمین به مفتی محمدحسین عنایت شد. چنانچه باغ و مسجد ایشان هنوز در آن‌جا موجود است. و قلعهٔ این شهر را که بالفعل در آن‌جا کچهری[4] نظامت می‌شود، به‌حکم معظّم شاه[1] مُلقّب به بهادر شاه

---

۱. غزوه
۲. هم‌معنای شورش
۳. عمارت کلاه‌فرنگی
۴. دادگاه

ابن بادشاه عالم‌گیر بنا نموده، این شهر را معظّم‌آباد موسوم ساختند فقط. و سابق از این در عهد بادشاه عالم‌گیر از امرای این جوار قاضی خلیل‌الرحمن ساکن پرگنهٔ مگهر[2] چکله‌دار[3] این ضلع تا مدّت کثیر بوده است، که مسجد کلان‌شهر و کُوتله[4] (کوٹلہ)، واقع قلعه و خلیل‌آباد متصل مگهر بنا نمودهٔ اوست.

---

۱. قطب‌الدین بهادر شاه اول، جلوس: ۲۸ ذی‌قعده ۱۱۱۸ق/ ۲۱ فوریه ۱۷۰۷م- د: ۱۱ محرم ۱۱۲٤ق/ ۱۸ فوریه ۱۷۱۲م

۲. این منطقه در حال حاضر در شهر سَنت‌کبیر نگر است.

۳. جاگیردار، دارندهٔ زمین

٤. Kotla

احوال حاکمان سلف به قید سال عَزل و نَصب و دیگر عدالت تاجوران‌ها و طریق عمل‌داری آن‌ها و ذکر بعضی از راجه‌ها[1]

در زمان سلف ریاست و راج سواد این شهر از قوم دوم بوده است. چنانچه نشان قلعه‌های ایشان از بیتال گره[2] و رام گره[3] و بیدیا گره[4] و دومن گره[5] و غیره در اطراف این شهر تا حال موجود، و در دیهات قوم تهاروان یعنی مردم کوهی قسمی که الحال در دامان کوه آباد هستند، سکونت می‌داشتند. بازارِ بتول[6] برای فروخت اشیای کوهی در گورکهپور می‌شد. از هنگام قیام حاکم اهل اسلام بازار و سکونت تهاروان از این‌جا به‌تدریج موقوف‌شده، حالا در ترائی[7] باقی است. چند کس از راجپوتانِ سربسنت،

[1]. در اصل: راجها
[2]. Betal Garh
[3]. Ram Garh
[4]. Bedia Garh
[5]. Doman Garh
[6]. Batwal
[7]. درّه، وادی، میان کوه

ساکن سری نگر[۱] قلع‌وقمع آن‌ها نموده، مُتسلّط شدند که تا حال به راجهٔ گورکهپوری معروف. چنانچه بعضی از اولادش از همان وقت بر زمین‌داری[۲] بعضی از دیهات پرگنهٔ سلهت[۳] (سلہٹ) و پرگنهٔ حویلی[۴] گورکهپور متسلط و اکثر بر تهاور پرگنه حویلی گورکهپور و سلهت به‌موجب سند راجه گورکهپوری قابض و متصرف هستند. بعدازاین در عهد بادشاه اکبر اجداد تعلقه‌دار گج‌پور[۵] که ساکن قدیم پرگنهٔ بهواپاره[۶] بوده است، به معاونت برادران خود بر راجهٔ گورکهپوری غالب آمد. قلع‌وقمع آن‌ها در عرصه چند پست کرده، زمین‌داری[۷] حویلی گورکهپور و سلهت به دخل خودها آوردند که تا حال به تصرفِ اولادِ آن‌ها موجود فقط. و از راجه‌های[۸] این چکله، در زمانِ سلف راجه مجهولی شخص رئیس و صاحب نوبت بود و در پرگنهٔ بانسی[۹] راجه رنجیت‌سنگه و راجه دلجیت‌سنگه برادران علاقی بودند. در ۱۲٦٦ فصلی با خودها جنگیده،

---

۱. Srinagar پای‌تخت تابستانی جمون و کشمیر
۲. در اصل: زمیداری
۳. Salhat
٤. عمارت بزرگ، عمارت چند دستگاهی
٥. Gajpur
٦. Bahua Para
۷. در اصل: زمیداری
۸. در اصل: راجها
۹. Bansi

کشته شدند. بعدازآن راجه سربجیت‌سنگه پسر راجه دلجیت‌سنگه را که صغیر سن بود، بر راج نشانیدند. و در این عرصه راجه ظالم‌سنگه راجهٔ اموده[۱](اموڑه)، شخصِ زبردست اولوالعزم باهنر پیداشده بود که کارهای نمایان از وی به وقوع آمده. نواب شجاع‌الدّوله اکثر مُتوجه گرفتاریِ او بودند، دستیاب نشد. در عمل‌داری خواجه عین‌الدین فوت کرد و راجه فتح ساهی راجه مانک‌جوگن همیشه از چکله‌داران این ضلع در جنگ روپوش می‌بود. و به وجه علاقه‌اش که در ضلع چهپره عمل سرکار بوده است، گاه‌گاه به مقابلهٔ سپاهیان انگریزی جنگ هم کرده‌است فقط. و در عهد صوبه‌داری نواب ابوالمنصور خان در ۱۱۵۱ فصلی میر خدا یار خان، که کترهٔ[۲] ایشان در لکهنو موجود، چکله‌دار این ضلع شد و تا چند سال ماند. شخص باخدا و فقیر دوست و عادل و زبردست بود که آبادی ملک و قلع‌وقمع اکثر مُفسدان در عهد ایشان گردید.

بعدازاین عاملانِ مختلف که از آن‌ها میر باقر و رام‌نراین[۳] و مُعزّالدّین خان مشهورند، به چکله‌داری این ضلع منسوب‌شده، آمده. چنانچه در عهد چکله‌داری معزالدین خان شیخ‌زادهٔ لکهنو به تخریب زمین‌داران پدهیا

---

۱. Amodah

۲. کوچهٔ احاطه‌شده توسط خانه‌ها، کوچه‌ای که درِ مقابل آن بسته باشد و راهِ خروج از سمت چپ و راست باشد.

۳. Ram Narain

باره[۱](پڈھیاباڑہ) و پدرونه (پڈرونہ) که سر به شورش برداشته بودند، واقع شد. بعدازاین در ۱۱۷۲ فصلی نواب شجاع‌الدّوله به محاربهٔ صاحبانِ انگریز در بکسر شکست یافتند. ازاین‌جهت زمین‌داران[۲] از هر طرف سر به شورش برداشته، به غارت‌گری می‌پرداختند و در این‌جا غدر بود. چنانچه در همان سال راجه سنومان‌سنگه[۳] برادر کلانی پهلوان‌سنگه[۴] متوفی راجهٔ گورکهپور در این شهر آمده، زرهایِ خطیر به‌طور مصادره از رعایا گرفت. مردم اهل اسلام تنگ آمده، به‌طور غزا[۵] برای محاربهٔ او مجتمع گشتند، تا فرار شد. و بعد از شکستِ بکسر سه سال، من ابتدای ۱۱۷۳ فصلی تا ۱۱۷۵ فصلی نواب فضل علی‌خان غازی‌پوری ناظم این چکله شد. او ظلم بسیار کرد و مبالغ خطیر قریب [به] بیست‌وهشت لک[۶] روپیه به‌حساب فی بیگه از پنج روپیه تا پانزده روپیه از این چکله تحصیل کرد[۷] تا این ضلع ویران شد که بعضی از ویرانی آن‌وقت تا هنوز آباد نشد. و در ۱۱۷۶ فصلی راجه صورت‌سنگه[۸] دیوان کل از حضور نواب شجاع‌الدّوله برای انتظام این

۱. Padhia Bara
۲. در اصل: زمیداران
۳. Sanuman Singh
۴. Pahlawan Singh
۵. جنگ و پیکار
۶. Lac، برابر با صد هزار
۷. به‌دست‌آورد.
۸. Surat Singh

علاقه آمد. از طرف او دو سال خواه چهار سال عاملان مختلف مُقرر بودند. چنانچه در پرگنهٔ گورکهپور و بهوا پاره و پرگنهٔ سلهت هادی خان نامی رساله‌دار[۱]، و در پرگنهٔ بانسی و پرگنهٔ رسول‌پورغوث و سیتارام‌کهتری[۲] و در پرگنهٔ اموده و پرگنهٔ بستی و پرگنهٔ مَگهر و پرگنهٔ مهولی[۳] راجه اهلادسنگه[٤] و در پرگنهٔ مجهولی و پرگنهٔ سدهوه‌جوتیه و غیره ستیارام کایسته مقرر بود. در همین ایّام یعنی در ۱۱۷٦ و ۱۱۷۷ فصلی قحط‌سالی عظیم واقع شد. زیادتر[۵] باعث ویرانی این ملک گردید و مردم این‌جا بیشتر از آن‌وقت در دامان کوه یعنی بتول و چهارن[٦] رفته آباد شدند. چنانچه اکثر دیهات ویرانی آن‌وقت الحال در عمل‌داری سرکار آباد شده، و بعضی تا حال ویران است. و در همین اثنا یعنی در ۱۱۷۷ فصلی عهد چکله‌داری راجه صورت‌سنگه بالکل دیهات معافی این ضلع و دیگر ممالک نواب وزیر به‌حکم نواب شجاع الدوله بهادر به ضبطی درآمد. و بعدازاین بعضی دیهه به‌موجب شد [و] آمد قدیم و اکثر دیهات جدید در عهد نواب آصف بهادر واگذاشت و معاف گردید. و در ۱۱۸۰ فصلی

---

۱. کسی که زیر فرمان او رساله بود، به عربی آن را قائد گویند. (از آنندراج). سرهنگ و سردار سواران . (ناظم الاطباء)

۲. Sita Ram Khatri

۳. نام‌های جاها

٤. Raja Ahlad Singh

۵. در اصل: زیاده‌تر

٦. ممکن است شهر کنونی چمپارن باشد.

خواجه الماس عامل شد. و در همین سال نواب شجاع الدوله بهادر رخت اقامت به دارالبقا کشید، و نواب آصف‌الدّوله بهادر مسندِ وزارت آراست. و بعدازاین در ۱۱۸۳ فصلی نواب سید محمدخان برادر مختارالدّوله و در ۱۱۸٤ فصلی محمد سعید خان قندهاری ناظم این چکله گردید. شخصِ عادل و زیردست بود. در عهد او کِیشُورای[۱] تعلق‌دار پدرونه تاخت و تاراج گردید. از ۱۱۸۵ تا ۱۱۸۸ فصلی چکله‌داری سرکار گورکهپور و بهرائچ به میجرهالی صاحب مُفوّض بود. پندت سوبهامن‌دیوان راجه سَنّاسِی[۲] مشیر و مختار سرکار ایشان بوده است. و از طرف ایشان میرزا بخش الله بیگ ناظم بهرائچ و محمد شفیع خان ناظمِ چکلهٔ گورکهپور بوده‌اند. در آن عهد اکثر زمین‌داران و راجه‌ها اسیر و مُقیّد گردیدند و جمع بسیار سنگین گرفته شد تا هرقدر دیهات که از ایام گرانی تا عهد ایشان آباد شده و دیهات دیگر به سبب سخت‌گیری ایشان ویران شد. و چون اکثر زمین‌داران از سرکار بهرائچ و سرکار گورکهپور در مکان کوتله واقع قلعهٔ گورکهپور مقیّد بوده‌اند و در آخر عمل‌داری ایشان در ۱۱۸۸ فصلی، در همان روزها که نواب آصف الدوله بهادر برای معاونت نواب گورنر مستر هستن[۳] صاحب بهادر، متوجه تدارک جیت‌سنگه[٤] راجهٔ بنارس شدند. زمین‌دارانِ نواح

---

۱. Keshu Rai نام شخصی
۲. Raja Sannasi نام شخصی
۳. Mister Hesten
٤. Jeet Singh

مجتمع گشته، بر قلعهٔ گورکهپور واکه افتاد تا یک‌پاس روز گولی‌هایی[۱] از هر دو جانب سر می‌شد. بعدازآن از اتفاقات یک تا دوپهر[۲] سپاهیان از هیچ‌یک طرف در این‌جا رسیدند و مشهور گردید که کپتان[۳] صاحب می‌آیند. زمین‌داران به‌مجرد استماع این معنی فرار شدند و همان روز اندرون کوتله[٤] اکثر محبوسان را به قتل رسانیدند. و بعدازاین مصطفی خان راجهٔ نانپاره[٥] را نیز به‌حکم میجر صاحب کشتند. و در ۱۱۸۹ فصلی راجه صورت‌سنگه دیوان حضور نواب‌وزیر نامدار دیگر به چکله‌داری این ضلع منسوب‌شده، آمد؛ و در ۱۱۹۰ فصلی عبدالله بیگ مخدوم چکله‌دار مقرر شده، آمد. و در مابین سال از دست سواران کشته شد. و در ۱۱۹۱ فصلی محمد شفیع خان عامل شد، و در این سال قحط‌سالی عظیم واقع گردید که اکثر مردم از گرسنگی هلاک، و اکثر خانه‌ها[٦] و دیهات ویران‌شد. و اثر آن تا سه سال مانده، که در این عرصه بیشتر ساکنان این ضلع به‌طرف چهارن و ترائی رفتند. و در ۱۱۹۲ و ۱۱۹۳ فصلی اسماعیل‌بیگ خان و نقی‌بیگ خان ناظم بوده است. بعدازاین از ۱۱۹٤ فصلی تا ۱۱۹۷ فصلی حکومت

---

۱. گلوله‌ها
۲. بعد از ظهر
۳. Captan
٤. Kotla
٥. Nanpara ، نام جایی
٦. در اصل: خانها

چکلهٔ اعظم‌گره و چکلهٔ گورکهپور به خواجه عین‌الدین مولائی مُفوض بود. مرد بسیار سخی که در سخاوت و شجاعت و عدالت مشهور و معروف بود. فقرای بسیار جوق [در] جوق همراه او می‌ماندند. هرروز به آن‌ها خیرات‌می‌داد و در مُحرّم هیچ‌یک چیز پیش خود باقی نمی‌داشت. مگر اندکی[۱] ظالم و سخت‌گیر هم بوده است. چنانچه در عهد چکله‌داری او مردمان بی خوف و خطر از دزدان و قطاع‌الطریقان[۲] و مفسدان زندگانی‌می‌کردند، بلکه مشهور بود که مردمان هنگام شب دروازه[۳] واکرده خسبیده باشند. و چکلهٔ اعظم‌گره[۴] که از مدّت ده دوازده سال به چکله‌داری چکله‌داری میرزا عطابیگ خان برادر حیدربیگ خان، بسیار آباد شده بود. در یک سال مبلغ هیجده لک روپیه از آن چکله تحصیل کرد، و همین قسم از چکلهٔ گورکهپور تا هشت لک روپیه در بعضی سال گرفت. و در ۱۱۹۸ فصلی و ۱۱۹۹ فصلی راجه سیتل‌پرشاد درامدین[۵] و راجه بهوانی‌پرشاد[۶] ناظم چکلهٔ گورکهپور و اعظم‌گره شدند. و بعدازاین به چکلهٔ گورکهپور در ۱۲۰۰ فصلی بشندت[۷] و کلّوبیگ[۱]، در ۱۲۰۱ فصلی و ۱۲۰۲ فصلی خواجهٔ

---

۱. در اصل: اندگی

۲. راه‌زنان

۳. به معنای در

۴. Azamgarh

۵. Sital Prasad Daramadin

۶. Bhawani Prasad

۷. Bishnu Dutta

سخاوت الله عامل بوده است. و از ۱۲۰۳ لغایت ۱۲۰۵ فصلی راجه بنوارسنگه چکله‌دار مقرر بود. و در زمان چکله‌داریش در ۱۲۰۴ فصلی نواب آصف الدوله بهادر ودیعتِ حیات به متقاضی اجل سپردند. و به‌جای ایشان چند ماه نواب وزیر علی متبنی نواب وزیر مسندِ ریاست آراست. بعدازآن در ۱۲۰۵ فصلی نواب سعادت علی خان مغفور رونق‌افزای وزارت شده. و در عهد ایشان از ۱۲۰۶ تا ۱۲۰۷ فصلی رجب‌بیگ خان برادرزادهٔ نواب حیدربیگ خان چکله‌دار بوده است. عمل‌داری او سست بوده. در ۱۲۰۸ فصلی میر کاظم علی‌خان چکله‌دار شد. و آخر سال در این‌جا آمده، جمع سال تمام قرار واقع گرفت و در چکلهٔ اعظم‌گره بعد از راجه سیتل‌پرشاد، از ۱۲۰۱ فصلی بوعلی خان عامل شد. بعدازآن در ۱۲۰۵ فصلی محمدحسین خان و پس از وی در ۱۲۰۶ فصلی خواجه سخاوت الله، و در ۱۲۰۷ فصلی بیجناتهه[۲] و در ۱۲۰۸ فصلی اکبر علی خان پسر نواب حیدربیگ خان ناظم شد. و بعدازآن، مِن ابتدای ۱۲۰۹ فصلی چکلهٔ گورکهپور و اعظم‌گره مع املاکِ دیگر به‌موجب تفویض نواب وزیرالممالک به ید تصرّفِ سرکار فیض‌آثا کمپنی انگریز بهادر درآمد.

---

۱. Kallu Beg

۲. Bejnath

احوالِ بعضی از پرگنات که در این اثنا خارج از تَعهُّد چکله‌داران مرقوم الصدر بوده‌اند آن‌که:

پرگنهٔ رتن‌پور بانسی[۱] و رسول‌پور غوث تا پنج سال از ۱۱۷۸ فصلی لغایت ۱۱۸۲ فصلی متعلقِ سیدی ناصر بوده است. سابق از این نواب فضل علی خان از آن پرگنه، به دربندی چهار روپیه بیگهه[۲] یک نیم لک روپیه گرفته بود. از آن‌وقت آن‌قدر ویران‌شد که در ۱۱۷۸ فصلی ابتدای عمل سیدی جائداد سی دیه هزار روپیه باقی‌ماند. و سیدی مسطور در ماه ساون[۳] به تشفی و دلاسای رعایا پرداخت. و تا دو آنه[۴] بیگهه پَتّه[۵] اراضی بنجر[۶] مقرر کرده، رعایا را به حسن سلوک خود آباد گردانید. تا آخر ۱۱۷۸ فصلی به وجه خام، به جمعِ شصت‌وهشت هزار روپیه رسید. و در آخر عمل‌داری

---

۱. Ratanpur Bansi

۲. Bigha، یک واحد اندازه‌گیری زمین، یک بگهه ۱۶۰۰ مربع گز، یک گز حدوداً برابر با ۳ فوت (۰.۹۱٤٤ متر) است.

۳. پنجمین ماه هندی

٤. دوازده و نیم پیسهٔ هندی، ۱۰۰ پیسه، برابر با یک روپیهٔ هندی.

۵. اجاره و معاهدهٔ زمین

۶. زمین بایر، زمینی که در آن زراعت نکنند.

سیدی در ۱۱۸۲ فصلی جمع آن پرگنه یک لک نود هزار روپیه نشست گردید. و باز آبادیِ آن‌وقت در عمل کرنیل[۱]، رو به ویرانی آورد. چنانچه کرنیل موصوف صرف از پرگنهٔ رسول‌پور غوث مبلغ یک لک بیست [و] دو هزار روپیه تحصیل‌کرده بود. و از ۱۱۹۹ فصلی یا ۱۲۰۲ فصلی پرگنهٔ بانسی و مگهر و رسول‌پور غوث شاملِ سرکار بهرائچ، به علاقه و تعهد راجهٔ نرمل رام، برادرِ راجه تکیت‌رای[۲](*ٹکیت رائے*) بوده است. و از طرفِ ایشان در ۱۱۹۸ فصلی و ۱۱۹۹ فصلی برای منسارام[۳]، و در ۱۲۰۰ فصلی راجه سیتل‌پرشادسنگه[۴] و در ۱۲۰۱ فصلی [و] ۱۲۰۲ فصلی میرزا ابراهیم‌بیگ عاملِ این هر سه پرگنه بوده‌اند.

---

۱. سرهنگ
۲. Tiket Rai
۳. Mansa Ram
۴. Sital Prasad Singh

کیفیتِ اقسامِ زراعت و ملاحت و تفصیلِ اقسامِ پتّه[1]

در این چکله آراضی دو قسم است. یکی بانگر[2] یعنی اراضی فرار که در آن‌جا آبِ سیل نمی‌رسد، و آن دو قسم است. یکی کهادر[3] یعنی نمناک، که در آن‌جا شالی‌کلان می‌کارند. و دیگر زمینِ هموار، که در آن‌جا هر جنس از گندم و نیشکر و غیره پیدا[4] می‌شود. و قسمِ دیگر کچهاره[5]، که در آن‌جا آب سیل می‌آید. اکثر جو و عدس و متر[6] از فصلِ ربیع، به محنتِ کمتر در آن‌جا پیدا می‌شود. و در این ضلع سوای علاقهٔ پدرونه نیشکر کمتر می‌کارند. و در بعضی پرگنات از آفتِ فیلانِ جنگلی، و در بعضی به سببِ این‌که قندِ سیاه آن‌جا خوب نمی‌شود. و در علاقهٔ پدرونه (پڈرونہ) یک سال نیشکر کاشته تا دو سال درو می‌نمایند. و نیشکرِ آن‌جا به نسبتِ

---

[1]. اجاره، اجاره‌نامه

[2]. جایی بلند که آب از آن‌جا به‌طرف پایین می‌آید.

[3]. نشیب، زمین پست و سرازیر

[4]. تولید

[5]. Kachara

[6]. Matar، نخود سبز، نخودفرنگی

جاهای دیگر شیرین و سیراب. زیادتر[۱] که از شکر و چینی[۲] همان‌جا حلوائیان و مردم، اقسامِ شیرینی‌های پاکیزه و نرم طیارمی‌سازند[۳]. و در پرگنات اموده[٤] و نگر و بستی و مهولی گندم و جو و نخود و جوار و باجره و ماش و موته(موٹھ)[٥] و کُودرم[٦] بیشتر پیدا می‌شود. و در پرگنهٔ سلهت و شاه‌جهان‌پور و بعضی از پته‌های پرگنهٔ حویلی گورکهپور، و پرگنهٔ مگهر و مجهولی از هر جنس فصلِ ربیع و خریف پیدا می‌شود. تفصیلِ پیداوار[۷] هیچ‌یک جنس نیست. و در پرگناتِ دیگر از بانسی و رسول‌پور غوث و پرگنات متعلقهٔ دامان کوه و بعضی پته‌های حویلی گورکهپور و غیره زمین قابل اقسام شالی بسیار. چنانچه در دو سه پَتّه از پرگنهٔ بانسی مثل بنجرها و سربودهی[۸] و برهون[۹] و کهجنی[۱۰] و بعضی پرگنات ترائی، اقسامِ برنج باریک از بهرنی[۱۱] و شام‌زیرا[۱] و راج‌هنس[۲] و

---

۱. در اصل: زیاده‌تر

۲. عصاره‌ای که از چغندر یا نیشکر گیرند، شکر

۳. آماده می‌کنند.

٤. Amudah

٥. یکی از سبزی‌جات

٦. یک نوع سبزی است.

۷. تولید

۸. Sarbudhi

۹. Barhun

۱۰. Khajni

۱۱. Bharni، یکی از اقسام برنج درجهٔ یک

راب‌کول[3] مشهوراست. و در فیض‌آباد و لکهنو، به نام پرگنهٔ بانسی فروخته‌می‌شود. و آن را به استعمال می‌رسانند. و اراضی پرگنهٔ دهوریاباره[4] و پرگنهٔ اولوله قابل فصل ربیع بسیار، و دیهاتِ این هردو پرگنه بیشتر به رقبهٔ قلیل، که بعضی از آن تا پانزده، بیست بیگهه خواهد بود. و آب در اکثرِ دیهات کمتر است. و مدارِ ارزانی این چکله بر فصل خریف است. در صورتِ کمی باران که نقصان فصل بهدئین بیشتر از آن است، ارزانی نمی‌شود. و در بعضی از پته‌های پرگناتِ اولوله و بانسی و سلهت و بستی و مگهر و گورکهپور هنوز دیهاتِ ویران بسیار است، که به سبب کمیابی رعایا جنگلستان یا آمدنِ فیلانِ جنگلی آباد نشده. و در این ضلع، آبِ چاه برای سیرابی کشت‌های گندم کفایت نمی‌تواند کرد. رواج آب‌پاشی از گدهی[5] و تالاب است. و چون در این چکله از مدت کثیر ویرانی بسیار و رعایا کمتر بوده‌اند، و در ابتدای عمل‌داری سرکار به مدّنظر آبادی از سرکار فیض آثار پته دیهات ویران. در بندوبست، اول فی دیه از پنج روپیه تا بیست روپیه و بعدازآن به شرح دو روپیه فی صد بیگهه عنایت شد. کاشت کاران دیهات جمعی قدیم به طمعِ تخفیفِ دربندی اراضی، دیهٔ خود را

---

[1]. یکی از اقسام برنج درجهٔیک

[2]. Raj Hans، یکی از اقسام برنج درجهٔیک

[3]. Rab Kol، یکی از اقسام برنج

[4]. Dhoria Barah

[5]. Gadhai، جای گود که آب باران در آن مجتمع شود.

گذاشته در دیهاتِ نو آبادشدن گرفتند. لهذا مال‌گذاران دیهات جمعی نیز تخفیف دربندی در دیه خودها نمودند، که الحال هیچ‌یک جا دربندی عمل‌داری نواب وزیر باقی نیست. و بدین سبب نقصانِ فاحش در جمعِ دیهات جمعی قدیم راه‌یافته. و جمع کامل عمل‌داریِ نواب وزیر در هیچ‌یک دیه و هیچ‌یک پرگنه نمی‌تواند آمد. و معمول و مرسوم این‌جا به سبب افراطِ زمین ویرانی، بدین وجه که اراضیِ بنجر را که دربندی آن کمتر و پیداوار بیشتر دارد، تا سه سال کاشته. هرگاه پهه شد که به جمع کامل رسید و قوتش ضعیف شد، گذاشته‌می‌دهند. و باز عوضِ آن زمینِ بنجر دیگر تردد می‌نمایند. و آراضی چکلهٔ گورکهپور به نسبت چکلهٔ اعظم گره بسیار کم‌قوت، که در سه چهار سال پیداوار آن بسیار کمتر می‌شود. و در عمل‌داری نواب وزیر هم دربندی و آبادی چکلهٔ اعظم گره به نسبت چکلهٔ گورکهپور زیاد[1] بوده است و در این چکله، شرحِ پَتّه به سه قسم. یکی چوکتی[2] یعنی مُقرّری و دوم دربندی یعنی خام، سوم بتائی[3] یعنی غلئ[4]. و شرح دربندی در هر پرگنه و هر پَتّه مختلف، مگر اکثر جاها از هشت آنه در کشتِ بنجر و تا دو روپیه فی بیگهه اراضی پهه مقرر. و در بعضی پرگنه، مثل بستی و سلهت و گورکهپور، در دیهاتِ ویرانی تا دو آنه

---

[1]. در اصل: زیاده
[2]. Chaukati
[3]. Batai
[4]. منسوب به غلات، توزیع محصولات غذایی بین کشاورزان و زمین‌داران

بیگهه است، که در آن هم حصهٔ چهارم مقدم می‌گردد. شرح بتائی به‌حساب پچ‌کَوری (پچ کوڑی) و شش کَوری (شش کوڑی) تا هفت کَوری[1]، در دیهات ویرانی است. و رعایا، پَتّه بَتّائی سوای از اراضی کچهاره، که در آن‌جا یک‌فصل به محنتِ کمتر پیدا می‌شود، کم‌تر قبول می‌نمایند.

[1]. از واحدهای پول رایج در زمان قدیم

کیفیتِ اقسامِ زمین‌داران یعنی زمین‌دار و برته[۱] و غیره که در این‌جا هستند:

در این ضلع زمین‌داران[۲] سه قسم‌اند. یکی مالکِ کاملِ زمین، که سوای او دیگری را در آن دخلی نباشد. دیگری تعلقه‌دار[۳]، از قسم راجه و دیگرِ مالکان تعلقه، که نام آن‌ها در خانۀ ملکیت داخل و در اکثر دیهات تعلقۀ آن‌ها بر تهه‌ها شریک هستند، که آن‌ها جلکر[۴] و بنکر[۵] دیه‌برت خودها می‌خورند. و مال‌گذاری به‌طور چوکتی پیش تعلقه‌دار می‌نمایند و هنگام ضلع دهیک[۶] یا دو بولی[۷] می‌گیرند. سوم برته‌ها و این‌ها چند قسم آمد. یکی آن‌که از هنگام برت[۸] مال‌گذاری خارج از تعلقه می‌مانند. دوم این‌که

---

۱. پیمان موقر
۲. در اصل: زمیداران
۳. خداوند ملک و مالک و زمین‌دار
۴. مالیات آب
۵. مالیات جنگل
۶. یکی از عهدنامه‌ها
۷. عهد بندند
۸. جاگیر،

بدون اخراجات به‌طور شنکلپ[۱] یعنی خیرات یافته‌اند. سوم این‌که خرید کرده، گاهی شامل تعلقه و گاهی خارج از آن مال‌گذاری کرده باشند. چهارم این‌که در برت‌پتر[۲] آن‌ها، هیچ‌یک شرط نوشته نیست. مگر گاهی مال‌گذاری خارج از تعلقه نکرده‌اند. پنجم این‌که روپیه داده، خرید کرده‌اند، لیکن برت‌پترِ آن‌ها به‌شرط مال‌گذاری اندرونِ تعلقه است. ششم آن‌که برت آن‌ها به‌شرط خدمت یعنی به‌طور جاگیر[۳] است، که به وجه عهده یا به وجه خدمت‌گزاری یافته باشند.

---

۱. Shankalp

۲. عهدنامه

۳. پاره‌ای از زمین که سلاطین و امرا و منصب‌داران و مانند آن دهند تا محصول آن را از کشت و کار هرچه پیدا شود متصرف گردند.

بعضیِ کوائف این ضلع

سابق از این، در این ضلع تا عمل‌داری نواب فضل علی خان که سه سال بعد از شکست بکسر بوده است، به سبب آبادانیِ ملک ارزانی بسیار بوده. برنجِ باریک فی روپیه یک من[۱] شش پسیری[۲] و روغنِ زرد فی روپیه ده آثار[۳] و مرغ فی عدد یک تنگه فروخت می‌شد. تا عمل نواب وزیر، مزدوران سه فلوس و نَجّاران و مِعمَاران دو آنه یومیه می‌یافتند. و ماهی به کثرت تمام و همه مفت مُیَسّر می‌آمد. ازاین‌جهت تا هنگام آبادی این ملک، بیشتر مردمِ اطراف که همراه حکامان متعین‌شده می‌آمدند، در این‌جا سکونت‌پذیر شدند. از میوه‌های جنگلی، بهلونجی[۴] یعنی مغز بهلانوه[۵] که مثلِ مغز بادام برآورده، می‌خورند. برای امراضِ بلغمی بسیار مفید، و بعضی را ورم بدن اِحداث می‌کند. و دیگر چِرَونجی[۶] یعنی مغز خب‌الثّمد است،

---

۱. برابر با چهل سیر

۲. پنج سیر

۳. برابر با یک سیر

۴. Bhalaunji

۵. Bhalanwa، یکی از میوه‌های خشک

۶. Chiraunji

که شامل میوه‌های خشک ولایتی در حلوا و غیره می‌اندازند. و سوای فالسه[۱] و کهجور[۲] و گل‌شکری است که از بیخ کاه برمی‌آرند. و هلیلهٔ کلان این‌جا برای مُربّا مشهور است. سابق از این، شهد[۳] و موم و رال[٤] به قیمت ارزان یافته‌می‌شد. و از میوه‌های باغی[٥] انبه، به کثرتِ تمام و کتهل[٦] و کیله[۷] و اناناس[۸] و امرود[۹] و شریفه[۱۰] خوب‌می‌شود. و از ریاحین، جابه‌جا گل کیوره[۱۱] و کیتکی[۱۲] هم هست. و در بعضی مواضع، درخت‌های تار[۱۳] بسیار. و بیشتر احوال این ضلع در درخت‌های باغی، مشتبه به عظیم‌آباد. از تحائف خاصهٔ این شهر، آسیا کوشت سیاست که جای دیگر تیّار[١٤] نمی‌شود، هرگاه خواسته باشند تا ده دوازده آثار گوشت در اندک زمان بسایند که رگ و ریشهٔ آن باقی نماند.

---

۱. میوه‌ای که از آن شربت آماده می‌کنند.
۲. خُرما
۳. عسل
٤. مواد چسبندهٔ درخت کاج یا درخت دیگر
٥. منسوب به باغ، زمینی که در آن درخت‌های میوه یا گل کاشته شده باشد، بوستان
٦. Kathal، میوه‌ای که پوست آن خاردار می‌باشد.
۷. موز
۸. آناناس
۹. یک نوع میوه است.
۱۰. یکی از میوه‌ها
۱۱. نام یکی از درخت‌های عطرآگین
۱۲. نام یکی از درخت‌های معطر
۱۳. Tar or Tad، درختی مشابه به درخت خرما
١٤. آماده

برخی از احوالِ این ضلع در عمل‌داری سرکار

سابق از این دُر عهدِ سلطنتِ محمد اکبر بادشاه، کاغذ موازنه تمامی دیهات ملک هندوستان مرتب‌شده. چنانچه در چکلهٔ اعظم گره، پیش بعضی از قانون‌گویان[۱] معاینه شد، مگر ضبطِ پیمایشِ دیهات چکلهٔ گورکهپور در آن‌وقت به عمل نیامد. در ۱۲۱۲ فصلی که امنای سرکار، برای پیمایش دیهات این چکله از کچهریِ نظامت مقرر شدند و کاغذ موازنه به دستخط[۲] قانون‌گویان گذرانیده‌اند، مطابقِ واقع نیست. و آن کاغذ اکثر از روی شد کار و زمین‌داران[۳] را به‌اتفاق قانون‌گویان به خیال این‌که در تکثیر رقبه توفیر جمع هنگام بندوبست خواهد شد، اراضی دیهات خودها بسیار کمتر به قید سرحد نویسانیده داده‌اند. و نیز قانون‌گویان رقبهٔ بعضی دیه، به ارادهٔ ایزاد کردن جمع زیادتر[٤] هم نوشته، و بالفعل آن کاغذ هرقدر

---

۱. محرری که حساب زمین کل منطقه نزد او باشد.

۲. امضاء

۳. در اصل: زمیداران

٤. در اصل: زیاده‌تر

کهنه می‌شود زیادتر[۱] مدارِ اعتماد و باعثِ تخریبِ بعضی مُقدمّات در عدالت نظامت می‌گردد فقط.

بفضله تعالی، تاریخ بی‌نظیر به ماه مه[۲] ۱۸۷۲م در مطبع منشی نَولکِشُور صاحب[۳] دام دولته، رونق انطباع یافت.

---

[۱] در اصل: زیاده‌تر

[۲] در اصل: مئی (May)

[۳] منشی نَولکِشُور (ت: ۳ ژانویه ۱۸۳٦ – د: ۱۹ فوریه ۱۸۸۵م) یک ناشر کتاب در هند بود که در سال ۱۸۵۸م در بیست‌ودوسالگی، در شهر لکهنو چاپ‌خانه‌ای تأسیس کرد. این چاپ‌خانه امروز قدیمی‌ترین چاپ‌خانه و نشر کتاب در آسیا به شمار می‌رود.

فهرستِ اعلام

(متن کتاب)

فهرست نام اشخاص:

فهرست اماکن

فهرست مصطلحات و نوادر اسماء و لغات و ترکیبات

الف:

ب:

ت:

پ:

ج:

نام‌های دریاها

نام‌های اشیاء

ضمایم

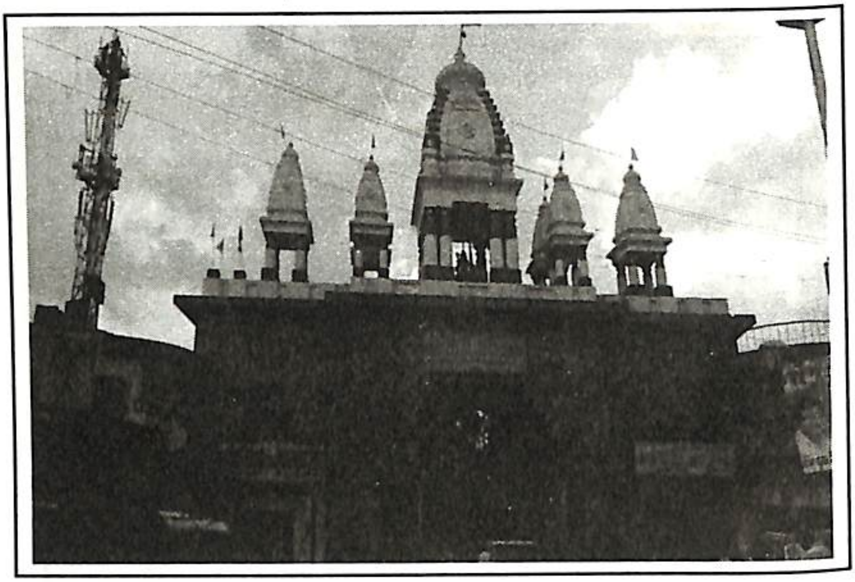

درب مرکزی معبد گورک نات

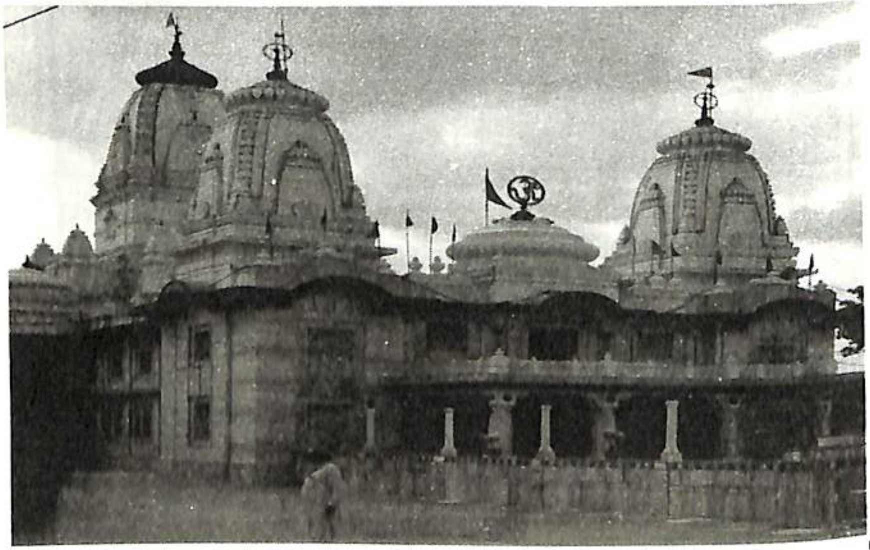

ساختمان مرکزی معبد گورک نات

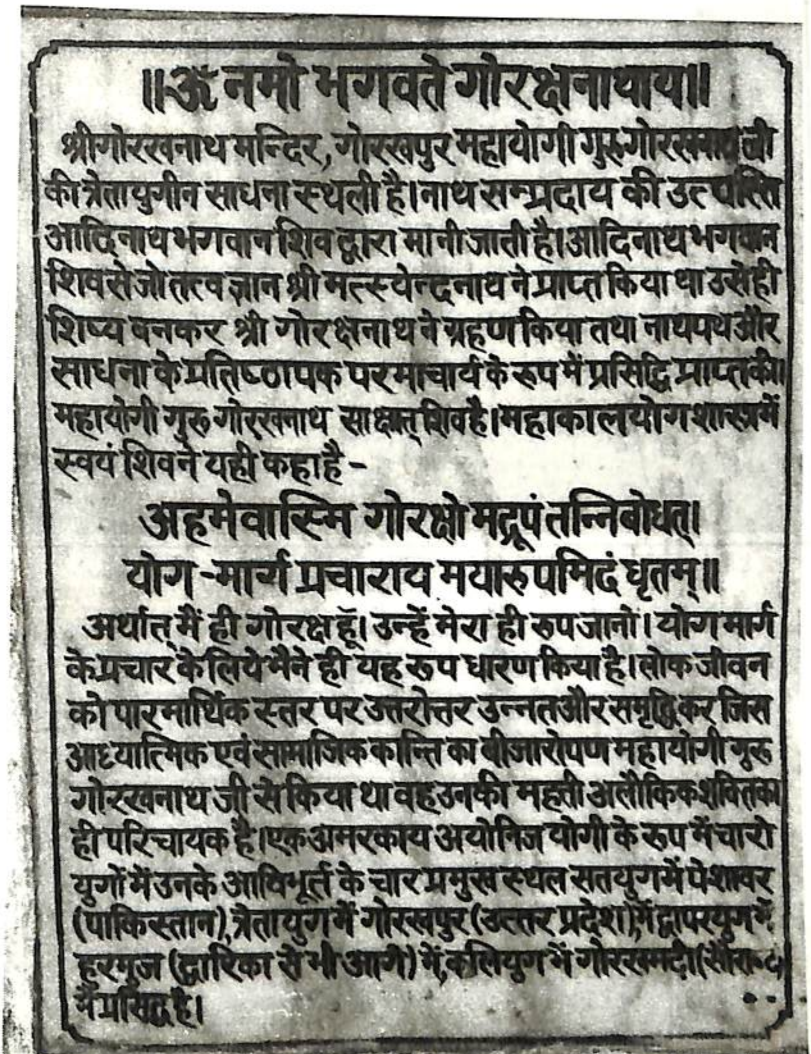

॥ॐ नमो भगवते गोरक्षनाथाय॥

श्रीगोरखनाथ मन्दिर, गोरखपुर महायोगी गुरु गोरखनाथ जी
की त्रेतायुगीन साधना स्थली है। नाथ सम्प्रदाय की उत्पत्ति
आदिनाथ भगवान शिव द्वारा मानी जाती है। आदिनाथ भगवान
शिव से जो तत्व ज्ञान श्री मत्स्येन्द्रनाथ ने प्राप्त किया था उसे ही
शिष्य बनकर श्री गोरक्षनाथ ने ग्रहण किया तथा नाथपंथ और
साधना के प्रतिष्ठापक परमाचार्य के रुप में प्रसिद्धि प्राप्त की।
महायोगी गुरु गोरखनाथ साक्षात् शिव है। महाकाल योग शास्त्र में
स्वयं शिव ने यही कहा है -

अहमेवास्मि गोरक्षो मद्रूपं तन्निबोधत।
योग-मार्ग प्रचाराय मयारुपमिदं धृतम्॥

अर्थात् मैं ही गोरक्ष हूँ। उन्हें मेरा ही रुप जानो। योग मार्ग
के प्रचार के लिये मैंने ही यह रुप धारण किया है। लोक जीवन
को पारमार्थिक स्तर पर उत्तरोत्तर उन्नत और समृद्धि कर जिस
आध्यात्मिक एवं सामाजिक क्रान्ति का बीजारोपण महायोगी गुरु
गोरखनाथ जी से किया था वह उनकी महती अलौकिक शक्ति का
ही परिचायक है। एक अमरकाय अयोनिज योगी के रुप में चारो
युगों में उनके आविर्भूत के चार प्रमुख स्थल सतयुग में पेशावर
(पाकिस्तान), त्रेता युग में गोरखपुर (उत्तर प्रदेश) में द्वापर युग में
हुरमुज (द्वारिका से भी आगे) में, कलियुग में गोरखमढ़ी (सौराष्ट्र)
में प्रसिद्ध है।

یکی از کتیبه‌های «معبد گورک نات» به زبان هندی و به خط دیوناگری

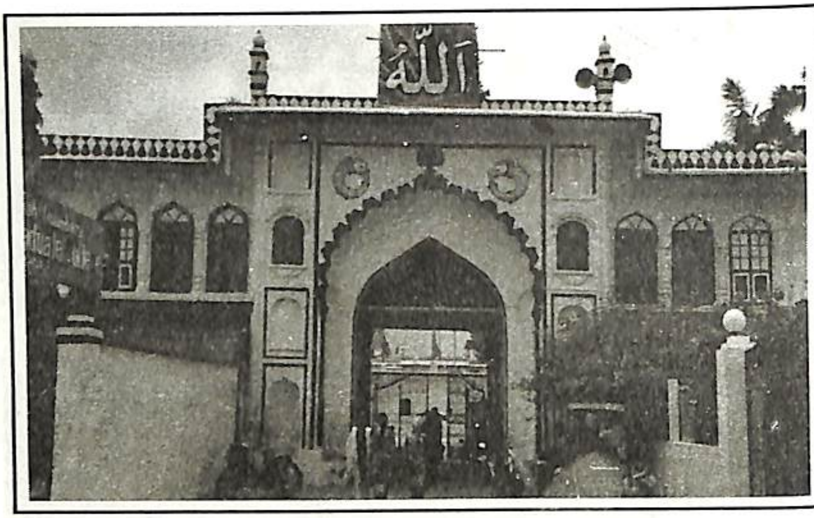

در ورودی حسینیهٔ روشن علی معروف به میان صاحب

قبرهای آقایان روشن علی، احمد رضا و واجد علی شاه در حسینیه (از بالا به پایین)

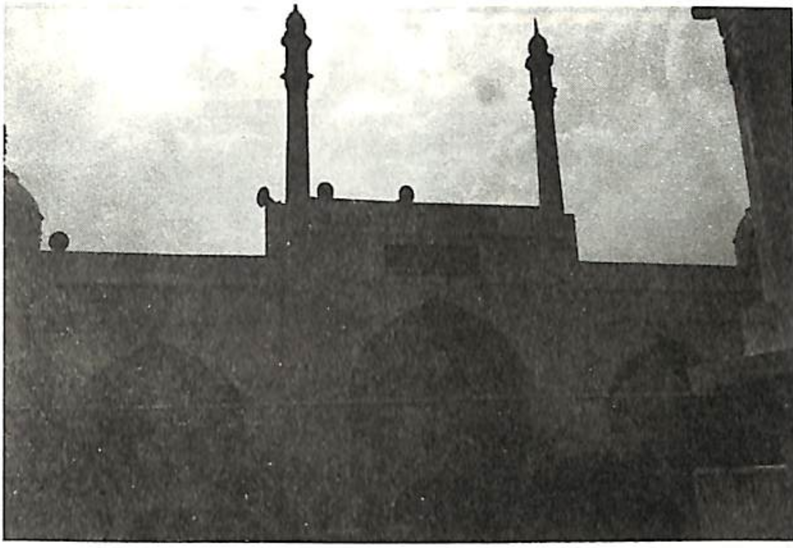

مسجد مُعظّم شاهی در اردو بازار گورکهپور

مسجد مُعظّم شاهی در اردو بازار گورکهپور

ایستگاه راه آهن شهر گورکهپور

در ورودی دانشگاه گورکهپور

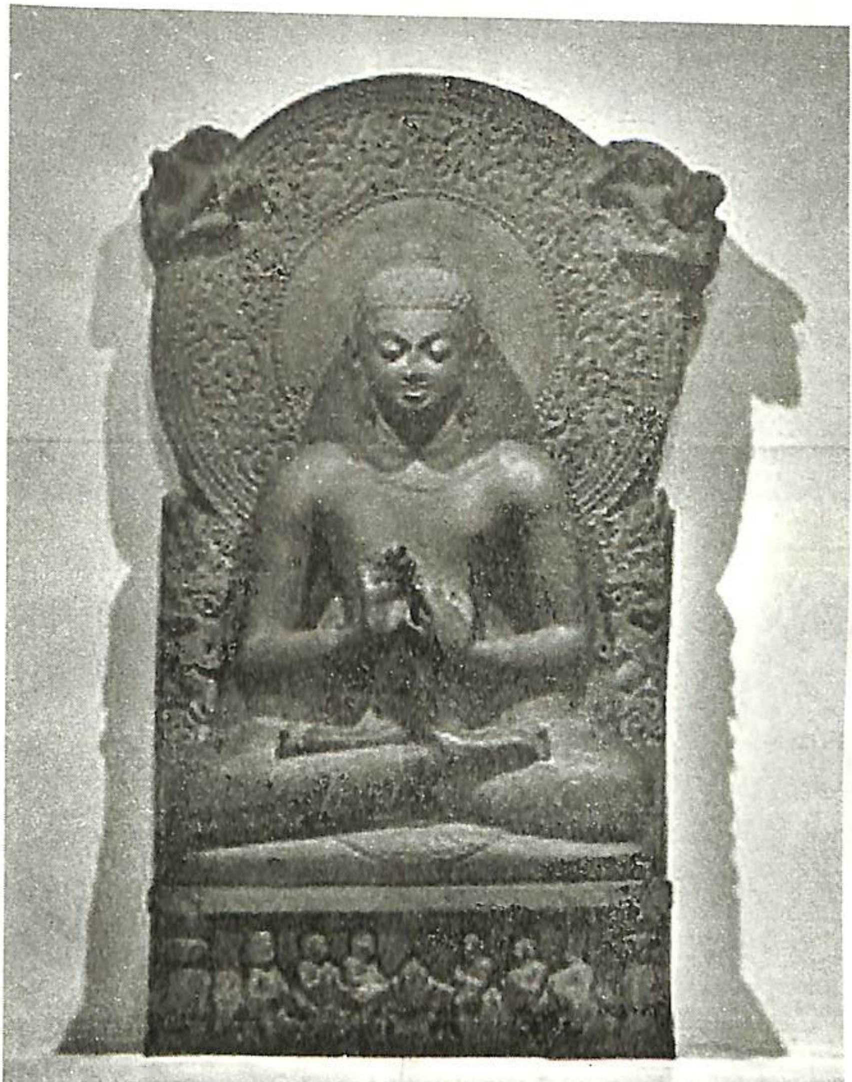

مجسمۂ مہاتما گوتم بدھ

TARIKH-I-MOAZZAMABAD
(TARIKH-I-GORAKHPUR)

by

Mufti Maulvi Syed Ghulam Hazrat

Compiled, Edited & Annotated by

Faizan Haider

EDUCATIONAL
PUBLISHING HOUSE
www.ephbooks.com

978-93-5073-881-8

فهرست مصطلحات و نوادر اسماء و لغات و ترکیبات

الف:
آثار ۷۲، ۷۳
آراضی ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۴
آنه ۶۳، ۶۸، ۷۲
احتراق ۴۰
احکام تیموریه ۴۹
افغانان ۴۹
افاغنه ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹
التمغای لکهنو ۵۰
انگریز ۵۰، ۵۷
انگریزی ۵۰، ۵۶
اهل اسلام ۴۲، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۷
ب:
بانگر ۶۵
بتایی ۶۸، ۶۹
برت ۷۰
برت پتر ۷۱
برته ۷۰
برشکال ۳۹
برهمنان ۵۱
بلوا ۵۲
بنجر ۶۳، ۶۶، ۶۸
بنکر ۷۰
بیگهه ۶۳، ۶۷، ۶۹
ت:
تاج وران ها ۵۴
تپ بلغمی ۴۰، ۴۱
ترایی ۵۴، ۶۰، ۶۶
تعلق دار ۵۹
تعلقه دار ۵۵، ۵۹، ۷۰
تنگنه ۷۲
تورانی ۴۸
تهاور ۵۵
تهاوران ۵۴
پ:
پته ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹
پچ کوری ۶۹
پرگنات ۴۰، ۴۱، ۵۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶
پرگنه ۵۳، ۵۵، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۷، ۶۸
پسیری ۷۲
ج:

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri

ف:
فتق ٤٠
فساد خون ٤٠، ٤١
فصل بهدئین ٦٧
فلوس ٧٢
فیض آثار ٦٢، ٦٧
ق:
قانون گویان ٧٤
قشعریره ٤١
ک:
کتره ٥٦
کچهاره ٦٥، ٦٩
کچهری ٧٤
کرنیل ٦٤
کمپنی انگریز بهاردر ٦٢
کهادر ٦٥
ل:
لک ٤٣، ٦١، ٦٣، ٦٤
م:
مجدد دین‌محمدی ٤٥
مرقوم الصدر ٦٣
مسلمانان ٥١
مشایخ ٥١
مصادره ٥٧
من ٧٢
مندف ٥٢
ن:
ناله ٣٩
نزول ٤٠
نزول چشم ٤١
ه:
هفت کوری ٦٩
هنودان ٥١، ٥٢

نام‌های دریاها

گنگ ٤٥

نام‌های اشیاء

الف:
آسیا گوشت ٧٣
امرود ٧٣
انبه ٧٣
اناس ٧٣
ب:
باجره ٦٦
بادام ٧٢
برنج ٦٦، ٧٢
بهرنی ٦٦
بهلانوه ٧٢
بهلونجی ٧٢
بیخ کاه ٧٣
ت:

CC-0 Kashmir Research Institute. Digitized by eGangotri